

متن پرسش

باسمه تعالی محضر مبارک جناب استاد آقای طاهرزاده سلام علیکم: اینجانب طلبه ای هستم مشغول به تحصیل در یکی از مدارس حوزه علمیه اصفهان و در دوران اتمام دروس پایه سوم. در نظر داشتم برای برنامه ریزی تحصیلی، در پاره ای از مسائل با جنابعالی مشورت کنم. اگر اجازه بدهید ابتدا مقدماتی را عرض کنم، سپس به اصل سوالات بپردازم. حقیر پیش از ورود به حوزه در یکی از مراکز فرهنگی سطح شهر مشغول به فعالیت بودم که پس از حدود پنج سال فعالیت، در خود دغدغه هایی را احساس می کردم که پاسخش را نمی توانستم در آن مرکز پیدا کنم و نیز قالب آن را نیز برای رشد خود مساعد نمی دیدم و همچنین در زمینه ی کارهای تربیتی برای نوجوانان و جوانان نه تنها در مجموعه خود بلکه با رصد اندک و اطلاع گیری، می دیدم که در سایر مراکز نیز مدل تربیت اسلامی مناسب وجود ندارد و نیز اگر وجود داشت در مقام نظر بوده و در ورطه اجراء با مشکلاتی مواجه می شود. (تا زمان فعلی نیز این مشکل را هنوز در مرکز خود و نیز سایر مراکز با توجه به سخت تر شدن فضای جامعه احساس می کنم). در آن برهه با مشورت برخی افراد خبره، در مجموع برای پی جویی این اهداف حوزه را مناسب یافتم. لذا با اتمام دانشگاه در مقطع فوق دیپلم مکانیک خودرو وارد حوزه شدم. با شروع دروس حوزوی به سبب تأکید مشاورین و نیز نتیجه گیری شخصی، سعی کردم با جدیت به فراگیری بپردازم و باید بگویم به همین خاطر از آنچه در ابتدا برایش وارد شده بودم، قدری زیاد، دور شدم تا در دو سه ماه اخیر ضرورت داشتن دغدغه آن و خلأ آن را در مطالعات خود مشاهده کردم. به همین سبب با خود گفتم شاید نیاز باشد، دوباره در چپستی هدف خود بازبررسی نمایم تا در پی یافتن آن، در مطالعه دروس حوزه و نیز غیرحوزوی اهمال نکرده و جدیت داشته باشم. پس از بررسی استعدادها، علایق، شرایط فعلی و سنجش و ترجیح در وظیفه و مشورت، مجددا همان را در خود یافتم که در سابق یافته بودم: پرداختن به مباحث تربیتی در حد و اندازه یک مجتهد، محقق و پژوهشگر. شاید اگر بخواهم مثال هایی را مطرح کنم، اگر درست تشخیص داده باشم، الگوهایی مانند حضرتعالی، آقای میرزایی، آقای صفایی و امثال شما و این بزرگواران (البته قدری به تفاوت روش ها آگاه هستم و نیز اسم آوردن از اشخاص به معنای رسیدن به جایگاه آنها نیست بلکه صرفاً مدل کار در زمینه تربیتی است) برای رسیدن به این منظور، به ضرورت پرداختن و چینش لوازم رسیدم؛ لذا خواستم تا حقیر را در این زمینه راهنمایی بفرمایید: ۱- آیا از اساس هدف گذاری تخصصی در زمان فعلی صحیح است، با لحاظ این مطلب که طلبه برای رسیدن به یک تخصص نیاز به جامعیت نسبی در سایر علوم نیز دارد؟ (با فرض پاسخ مثبت شما به سوال یک): ۲- لوازم مطالعاتی حوزوی و

غیرحوزوی و غیرمطالعاتی رسیدن به هدف معرفی شده، چیستند؟ ۳- سال آینده در نظام حوزه (پایه چهارم)، زمان ورود طلاب به اصول و فقه قرارداد شده: الف) در ترسیم لوازمی که در سوال دو از جنابعالی مسألت شد، کدام یک از مطالعات غیرحوزوی را در کنار این دو درس ترجیح داده و لازم می دانید؟ ب) روش مطالعه فقه و اصول را برای حقیر، چگونه معرفی می فرمایید؟ ج) در فقه و اصول، نه صرفاً برای سال آینده بلکه به طور کلی برای حصول جایگاه این دو در آن هدفی که مطرح شد، چه میزان از مهارت را احتیاج دارم؟ به سخن دیگر چقدر فقه و اصول بخوانم تا کفایت امر شده باشد؟ در پایان ضمن تشکر از جنابعالی عذرخواهی به خاطر اطاله کلام، خواستارم در صورت امکان وقتی را مقرر بفرمایید تا خدمت رسیده و آنچه را در نوشته قابل بیان نبوده بیان داشته و نیز آنچه را که قابل دریافت از حضرتعالی در نوشته نیست، دریافت کنم. **إِنَّ هَدَى اللَّهِ هُوَ الْهَدَى**

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- مسلّم هدف اصلی همه‌ی پیامبران تربیت انسان بوده و چه کاری بهتر از آن که شما در راستای تربیت انسان‌ها خود را بی‌پروانید ۲- در موضوع دروس حوزه تا ورود به درس خارج حتماً برنامه‌ریزی کنید، پس از چندسال حضور در درس خارج خودتان می‌توانید بفهمید باید چه کار کنید. بنابراین قسمت‌های بعدی سؤال نیز در این رویکرد جواب داده می‌شود، شما در درس خارج مجهز به حیطه‌ای می‌شوید که در هر موضوعی بخواهید وارد شوید عالمانه وارد می‌شوید و آن وقت است که در موضوع تعلیم و تربیت موفق خواهید بود. متأسفانه امکان این که حضوراً خدمتتان باشم را در حال حاضر ندارم. موفق باشید